



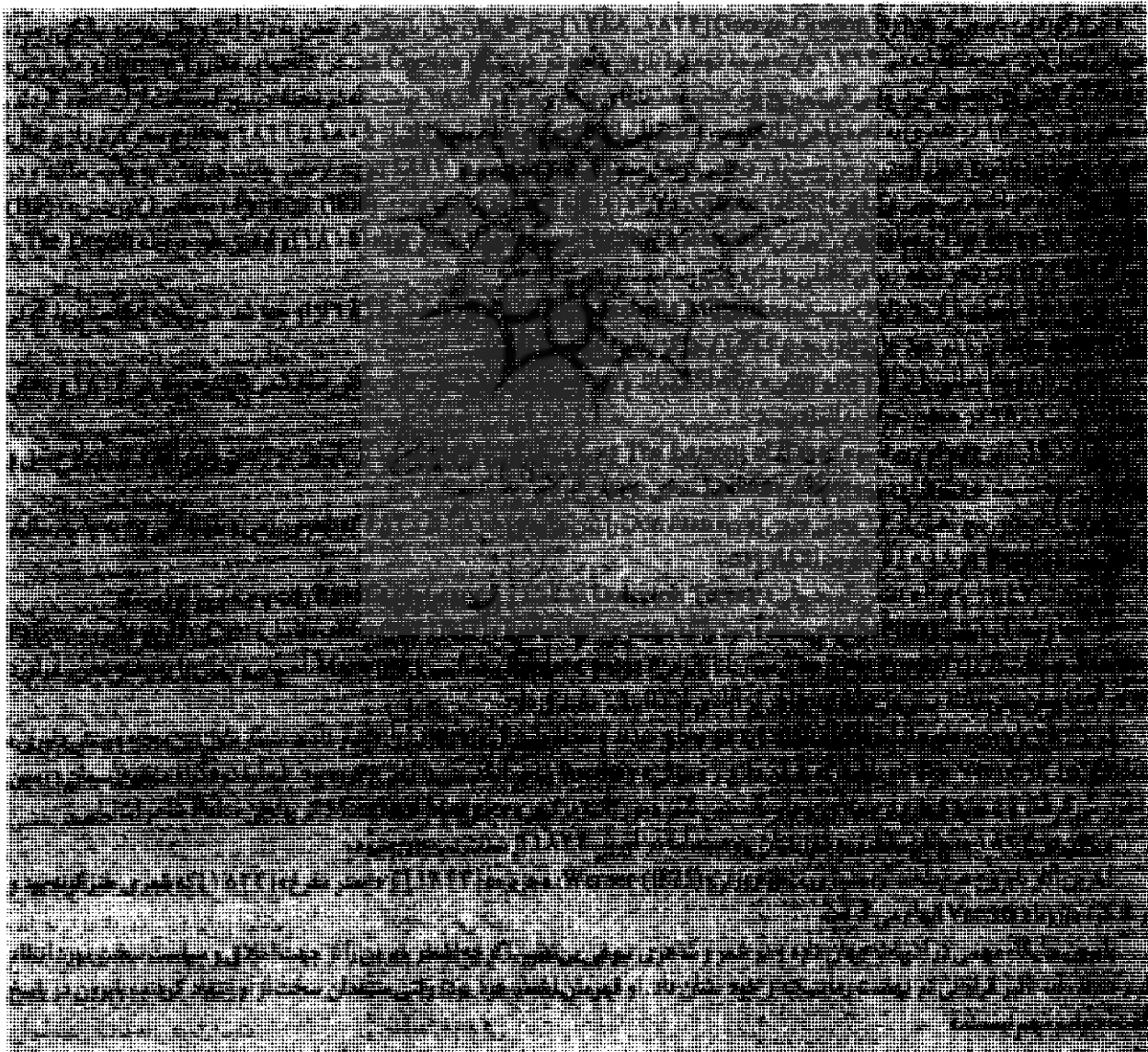
George Gordon Byron

لرد بايرون، شاعر انگلیسی

(۱۷۸۸-۱۸۲۴)

ترجمه: هادیون لوراحمر

زندگی و آثار او، برداشتی از فرهنگ ادبی
«آکسفورد» تألیف «پل هاروی» P.Harvey و
کتاب ادبیات جهان، بايرون: «مرا بر زمین
افکنید - اما من بار دیگر برخواهم خاست!»



دادند و برایش مستعری و حقوقی تعیین کردند. چهار بار ازدواج کرد و می گویند در ۱۵۷۰ دیده از جهان برگرفت.

۷ «قلیل» (1821) منظومه‌ای رمزی و تراژیک است. قایل بر ضد ونجی که بر اثر گناه و خطای موجود دیگری بر او تحمیل شده است، قیام می کند.

قایل که با درسهای مخلوق قدر مطلق آشنا شده است و نمی تواند با او از در آشتی درآید، مرید و شاگرد شیطان می شود و از او درباره مسائل وجود، پرسشهایی می کند. تطهیر شیطان، قتل شیطان را بر ضد وضعی که به نمایش ناگزیر است، تشهید می کند و در بحبوحه نگاه احساس که می بیند هابیل از پیوه فرمان می برد، ضربهای بر برادرش وارد می آورد و او را به قتل می رساند. پشیمانی و فداقت از این کار بر او غلبه می کند و قایل به تجدنگاه خود می رود. جسارت و گستاخی شعر قایل خشم شدید مردم را برمی انگیزد و بر ضد او قیام می کنند.

۸ «منازعه» (1817) Man شعری منظوم است که در آن مانع از گناهی جبران ناپذیر و رمز آلود رنج می برد و در حین مردم آلب زندگی می کند؛ چرا که از اجتماع برتر بوده ندهد است. ارواح گیتی را فرمان می خیزد، آنها همه چیز به او می دهند، اما او فقط فراموشی را طلب می کند. به صفت می کوشد خود را از قله گویی بلند به زیر افکند و در این فکر جایگزین آلب را به آسمان می خواند. در این میان اهریمن را ملاقات می کند، اما با عزمی راسخ از اوامر شیطان اجتناب می ورزد. از او می خواهد مرگش را بفرماید، و در روای خود «استارت» می خواند. پس او که دوست می داشته است، در نظر می آید. زن در پاسخ به بیایش مانع، مرگ او را در روز بعد می بیند. می کند، اما چیز دیگری نمی گوید.

در زمان سفر رهبان ظاهر می شوند تا او را فریب دهند. مانع از قبول آنها را به روی خود انکار می کند، دوران پنهان می شوند و مانع می شود.

اسپانویع مانسیا یک نجیب زاده اسپانیایی است که تقریباً هر ۱۶۳۸ به دنیا می آید، و بعداً در زندگی به فرقه کابالیاتی فرانسوی روزگار به سر می آورد. (فرمانده اوکر این شعر) بعد از وفاداری به پسر کبیر هر باز می زند و در جنگ دیولتور «Dionysus» صاحب خنجر دو زبانه می شود. راضی گوید (۱۷۹۹) و در حالی که شاه و ناز و دستشایرین از شکست در پیروزی بر جوت بلوط نشسته اند، «مانسیا» از بزرگی اولیه خود سخن به میان می آورد و از حرفه خود به عنوان یک پیشخدمت در پارک «کازمیر» Csimir پنجم، پادشاه اسپانیا، حرف می زند. وقتی در توطئه ای با محسوس یک نجیب زاده با نفوذ هندست می شود، او را بر حبه به پشت یک اسب وحشی اوکراینی سوار می کنند و به بیابانی رهاش می کنند. است در جنگ و رودخانه ره می سپرد و سوار نگه پاره شده و غش کرده خود را از این سو به آن سو می برد تا آنکه سوارش را بی آنکه توفیق کند، به دستهای اوکراین می برد و در آنجا بر زمینش می افکند و «مانسیا» در آخرین لحظه حیات توسط روستاییان نجات پیدا می کند.

۹ «بیش داور» (1822) Judgment of Vilon شعری است طنز آمیز چاپ شده در «لیبرال».

در ۱۸۲۱ «ساوتی» Southey شاعر انگلیسی در پیش گفتار شعری به همین نام آثار بایرون را مورد انتقاد قریب داد و حمله شدیدی به آنها کرد و بایرون هم در ضمیمه شعر «دو فوسکاری» The Two Foscari و هر تقلید از شعر ساوتی پاسخی داد که بسیار توهین آمیز بود. در بیان این شعر بند گردانی برجسته درباره شیطان و فرشته اعظم و ملاقاتشان با یکدیگر خودنمایی می کرد.

۱۰ «زندانی شیلون» (1۸۱۶) شعری است که از زندانی شدن بونویوار Bonnyvart در قفس شیلون در دریایچه (نوسون) می گوید. فرانسوا دو بونویوار در ۱۸۲۶ به دنیا آمد. به سمت رئیس صومعه «سن ویکتور» St. victor نزدیک آژن برگزیده شده با همکاری گروهی از زمین پرستان پرشور که محصل بودایی بود و بنام «سوی» «Soy» او از میان برمی دارد و یک جمهوری آزاد طلبی می آید. به خاطر این گوشش دوباره توسط دولت رستل شد. محبوس شدن دوباره در قفس شیلون بود که از ۱۸۲۰ تا ۱۸۲۶ به طول انجامید، اما توسط فرنیس «Frenis» آزاد شد. پس از این ماجرا مدت زیادی زندگانی کرد و عزیزان او خاطرات

آثار جورج گوردون بایرون

۱ «دون ژوان» Don Juan شعری است رمزی و طنز آمیز، در ۱۶ بخش (۱۸۲۴ - ۱۸۱۹). دون ژوان، نجیب زاده‌ای از «سویل» Seville است که در کل جوانی توطئه گر است و نسبت به «دونا ژولیا» Donna Julia راه خدعه در پیش می گیرد، مادرش او را در ۱۶ سالگی به خارج می فرستد، کشتی حامل او درهم می شکند و کارگرف و مسافرانش سوار قایقی می شوند. پس از رنجی بزرگ کارگران ایندا سگ و بعد قیم دون ژوان را می خورند. دون ژوان به جزیره‌ای یونانی افکنده می شود. «هیدی» Heidee دختر زیبایی یک دزد دریایی یونانی او را به زندگی برمی گرداند. این دو دلناخته یکدیگر می شوند. پدر دون ژوان که گمان می برد مرده است، بازمی آید و دلناختگان را با هم می بیند و دون ژوان را از «انجیر» به یکی از کشتیهای دزدان دریایی میسکه است) آزاد می کند. هیدی دیوانه می شود و می میرد. ژوان را چون برده‌ای در کنستانتینول به سلطانی‌ای که عاشق شده است می فروشند. ژوان که جس خسادت طلبانه را برانگیخته است، به مرگ تهدید می شود؛ اما می گوید که در «روس» که اسماعیل را در محاصره کرده است، ملحق می شود. ژوان را که با دلارهای خود سفر را به تصرف درآورده است، به «روس» می ببرد و در آنجا به نظر کشنده او را به خود جلب می کند. کاترین، دختر پادشاهی روسیه، سیاسی به انگلستان می فرستد. در آخرین بندهای شعر که ناتمام می ماند، از شرح‌های طنز آمیز اوضاع اجتماعی انگلستان سخن به میان می آید و در حد کمتری از عشقهای او، شعر توصیفی بایرون درباره دون ژوان از کتاب «ویستل کرافت» whistel craft اثر «جی. اچ. فرر» J.H. Ferrer ملهم شده است.

۲ «بیو» (1818) Beppo شعری داستانی است که در آن سبک فرماتی طینه آمیزی با شادمانی آرامی درمی آمیزد و داستان یک کارناوال ونیزی را بازمی گوید. در این کارناوال شوهر یک خانم به نام بیو که سالها غایب بوده است با جامه ترکی باز می گردد و با او و شوالیه‌ای که زن برای خودش بیف کرده است، رودرو می شود. فاجعه‌ای رخ نمی دهد، فقط با خوردن یک فنجان قهوه زن و شوهر از در آشتی درمی آید.

۳ «ماتسیا» (1819) Mazepa بر اساس شعری است از والتر به نام چارلز دو زده در ژوان





در این تصویر من گنبد دو بند نخستین خوانند و
به برهان مسیحا و جزایر ایویان Ionian و
ایلیای می بردند با سوگواری او برای اسارت
یونان پادشاه می کردند.
در بند سوم مسافر به بلژیک، راین، آلبه و
«روزانه» در بند من رود، این مسافرتها به هر
مکانی نامشروع را که جنگ اسپانیا، سنس
وانتراو و پارولتون به وزیر روسو و «ژولین» Julie
در آن مطرح می شود، معلوم می دارد. در بند
چهارم شاعر مسافر خیالی خود را در آن می کند
و از «ولیز» Arzoo، «پترارک» Petrarch،
«فرارو» Ferrata و «تاسو» Tasso، فلورانس و
می آورد.
۱۳ «کورنیه» Corsair 1814 شاعری
حماسی و درویش است، که در آن «کنراد»
Conrad - رئیس دزدان دریایی - در دریای اژه
مردی بست با شراکتها و فساد فراوان، اما
دارای یک فضیلت و با احساسی از
سلاحشوری، که اخطای دریافت می کند که
سید پاشای ترک قصد دارد ناوگانی فراهم
آورد تا به جزیره او فرود آید. از این رو تصمیم
می گیرد تا او سلبه جوید. از همسر محبوب
خود و خدمت می طلبد و شایه وارد قلمرو پاشا
می شود و خود را به عنوان یک درویش که از
جنگ دزدان دریایی گریخته است، معرفی
می کند. شلیک گلوله به سوی گشتی پاشا از
سوی مردان کنراد، نشانه ای از یک ضربت و
اخطاری محتاطانه است و اندکی پیروز میدان
اما کنراد زخمی می شود و به زندان می افتد و
گلنار - زن برده - در حرم پاشا پیش از آنکه
بتواند کنراد را از یک مرگ قریب الهبوط
برهاند، شیفته او می شود و قتل او را به نومی
به تعویق می اندازد و سرانجام برایش خنجر
می آورد تا بلکه بتواند سید را در خواب به قتل
برساند. با این عمل کنراد مخالفت می کند و
زن خود پاشا را می کشد و با کنراد می گریزد.
اما اکنون گلنار از کنراد نفرت پیدا کرده است.
سرانجام به جزیره دزد دریایی او می شوند و
کنراد می بیند که «مدورا» Medora زن
محبوبش از غصه مرده است، چرا که شنیده
است کنراد کشته شده است. کنراد تابید
می شود و دیگر بخیری از او به دست نمی آید.
۱۴ «محاصره کورنیس» (1816). در
۱۷۱۵ ترکها کورنیس را در محاصره
می گیرند، و با راهنمایی آلیا که دختر
«مینوتی» Minoti حاکم ولیز را دوست
می دارد، ترکها را به داخل قلعه راهنمایی

می کند. در این تصویر من گنبد دو بند نخستین خوانند و
به برهان مسیحا و جزایر ایویان Ionian و
ایلیای می بردند با سوگواری او برای اسارت
یونان پادشاه می کردند.
در بند سوم مسافر به بلژیک، راین، آلبه و
«روزانه» در بند من رود، این مسافرتها به هر
مکانی نامشروع را که جنگ اسپانیا، سنس
وانتراو و پارولتون به وزیر روسو و «ژولین» Julie
در آن مطرح می شود، معلوم می دارد. در بند
چهارم شاعر مسافر خیالی خود را در آن می کند
و از «ولیز» Arzoo، «پترارک» Petrarch،
«فرارو» Ferrata و «تاسو» Tasso، فلورانس و
می آورد.
۱۳ «کورنیه» Corsair 1814 شاعری
حماسی و درویش است، که در آن «کنراد»
Conrad - رئیس دزدان دریایی - در دریای اژه
مردی بست با شراکتها و فساد فراوان، اما
دارای یک فضیلت و با احساسی از
سلاحشوری، که اخطای دریافت می کند که
سید پاشای ترک قصد دارد ناوگانی فراهم
آورد تا به جزیره او فرود آید. از این رو تصمیم
می گیرد تا او سلبه جوید. از همسر محبوب
خود و خدمت می طلبد و شایه وارد قلمرو پاشا
می شود و خود را به عنوان یک درویش که از
جنگ دزدان دریایی گریخته است، معرفی
می کند. شلیک گلوله به سوی گشتی پاشا از
سوی مردان کنراد، نشانه ای از یک ضربت و
اخطاری محتاطانه است و اندکی پیروز میدان
اما کنراد زخمی می شود و به زندان می افتد و
گلنار - زن برده - در حرم پاشا پیش از آنکه
بتواند کنراد را از یک مرگ قریب الهبوط
برهاند، شیفته او می شود و قتل او را به نومی
به تعویق می اندازد و سرانجام برایش خنجر
می آورد تا بلکه بتواند سید را در خواب به قتل
برساند. با این عمل کنراد مخالفت می کند و
زن خود پاشا را می کشد و با کنراد می گریزد.
اما اکنون گلنار از کنراد نفرت پیدا کرده است.
سرانجام به جزیره دزد دریایی او می شوند و
کنراد می بیند که «مدورا» Medora زن
محبوبش از غصه مرده است، چرا که شنیده
است کنراد کشته شده است. کنراد تابید
می شود و دیگر بخیری از او به دست نمی آید.
۱۴ «محاصره کورنیس» (1816). در
۱۷۱۵ ترکها کورنیس را در محاصره
می گیرند، و با راهنمایی آلیا که دختر
«مینوتی» Minoti حاکم ولیز را دوست
می دارد، ترکها را به داخل قلعه راهنمایی

۱۵ «پترارک» Petrarch، «فرارو» Ferrata و «تاسو» Tasso، فلورانس و
می آورد.
۱۳ «کورنیه» Corsair 1814 شاعری
حماسی و درویش است، که در آن «کنراد»
Conrad - رئیس دزدان دریایی - در دریای اژه
مردی بست با شراکتها و فساد فراوان، اما
دارای یک فضیلت و با احساسی از
سلاحشوری، که اخطای دریافت می کند که
سید پاشای ترک قصد دارد ناوگانی فراهم
آورد تا به جزیره او فرود آید. از این رو تصمیم
می گیرد تا او سلبه جوید. از همسر محبوب
خود و خدمت می طلبد و شایه وارد قلمرو پاشا
می شود و خود را به عنوان یک درویش که از
جنگ دزدان دریایی گریخته است، معرفی
می کند. شلیک گلوله به سوی گشتی پاشا از
سوی مردان کنراد، نشانه ای از یک ضربت و
اخطاری محتاطانه است و اندکی پیروز میدان
اما کنراد زخمی می شود و به زندان می افتد و
گلنار - زن برده - در حرم پاشا پیش از آنکه
بتواند کنراد را از یک مرگ قریب الهبوط
برهاند، شیفته او می شود و قتل او را به نومی
به تعویق می اندازد و سرانجام برایش خنجر
می آورد تا بلکه بتواند سید را در خواب به قتل
برساند. با این عمل کنراد مخالفت می کند و
زن خود پاشا را می کشد و با کنراد می گریزد.
اما اکنون گلنار از کنراد نفرت پیدا کرده است.
سرانجام به جزیره دزد دریایی او می شوند و
کنراد می بیند که «مدورا» Medora زن
محبوبش از غصه مرده است، چرا که شنیده
است کنراد کشته شده است. کنراد تابید
می شود و دیگر بخیری از او به دست نمی آید.
۱۴ «محاصره کورنیس» (1816). در
۱۷۱۵ ترکها کورنیس را در محاصره
می گیرند، و با راهنمایی آلیا که دختر
«مینوتی» Minoti حاکم ولیز را دوست
می دارد، ترکها را به داخل قلعه راهنمایی

Byron

می کند. پینوتی انبار مهمات کورنیس را آتش می زند و پیروشدگان و مدافعان و همین طور خودش را نابود می کند.

۱۵ - «مارینو فالیرول» Marino Falireu یک منظومه تاریخی تراژیک (۱۸۲۱). مارینو فالیرو در ۱۳۷۴ به ریاست جمهوری ونیز برگزیده می شود. «میشل استنو» Michele steno مردی کم بضاعت با «داج» Doge که مردی مغرور و باد در سر و عصبانی است) رودرو می شود و هجویه ای درباره داج و همسرش می نویسد. او را محاکمه می کنند و مجازاتی برایش در نظر می گیرند که داج آن را کاملاً ناکافی می داند. بعد داج با عده ای از مردان ناراضی توطئه ای می کند تا ساختار مشروطیت ونیز را درهم ریزد و از

«آلیسبادس» Alcibades و دیگران درآورد. آرنولد شکل آشیل را برمی گزیند. شیطان، یا غریبه می گوید این کار را به شرطی می کند که او ملازمش شود. بخش دوم این منظومه غارتگری رم را در ۱۵۳۷ به تصویر می کشد که طی آن آرنولد خود را مشهور می کند. در اینجا بخش درام پایان می گیرد.

۱۸ - «ورنر» Werner (1823) یک تراژدی منظوم ملهم از قصه های کنتربری اثر جفری جوسر نویسنده انگلیسی است.

پسر هرزه و متمرّد «کنت زیگندورف» Siegondorf که نام ورنر را برای خود نهاده است، بر حسب تصادف خود را در خانه دشمنش «کنت استرالینهایم» Stralenheim می یابد، و با انگیزه ای ناگهانی او را لخت می کند. «اولریک»

Ulric پسرش که مصمم تر به نظر می آید، کنت استرالینهایم را می کشد تا کار زشت پدرش را پنهان کند. او بدون مشورت پدر تبه کاری خود را به «گابور» Gabor بی رستانی نسبت می دهد. بعد گابور که به سمت کنت زیگند دورف نایل می شود، خود را رودروی گابور می بیند که اولریک را تبهکار می خواند. اولریک می کوشد تا گابور را به قتل برساند، اما زیگند دورف مانع او می شود و از آدم کشی برحذر می ماند و سرانجام دل شکسته و مغموم از رسوایی خود و تبهکاری پسرش جان می دهد.

۱۹ - «سارا دانا پالوس» (1821) Sardanapalus یک تراژدی منظوم برگرفته از تاریخ کتاب شناسی تالیف «دیودوروس سیکلوس» Diodorussiculus است، اما بایرون این اثر منظوم را آزادانه نوشته است. ساردانا

پالوس خود را به شهریار دلیر عجیب و شوخ طبعی معرفی می کند. وقتی «بله سز» Beleses یک پیشگوی «چالدانی» Chaldanea، و «الباسس» Albaces حاکم مدیا برضد او قیام می کنند، «میرها» Myrrha برده یونانی محبوبش در کامیون سربازانش دلیرانه می جنگد.

او که شکست خورده است، به خاطر «زارینا» Zarina ملکه اش که می خواهد برای او آذوقه تدارک ببیند، عقب نشینی می کند و طرفداران زارینا توده هیزمی فراهم می آورند و به دور تخت حکمفرمایی سارداناپوس می گذارند و او را با میرا به آتش می کشند.

۲۰ - «او در زیبایی گام برمی دارد» و نابودی «سناچریب» Senna Cherib از اشعار کوتاه لرد بایرون به شمار آمده اند.



George Gordon

ساتورها انتقام بگیرد، اما این طرح و نقشه بر ملا می شود و با شکست رودرو می شود و فالیرو را گردن می زنند.

۱۶ - «دو فوسکاری» Two Foscari (1821) منظومه ای تراژیک و تاریخی است.

«ژا کوپو» ja copo پسر حاکم ونیز به خاطر رشوه گیری و مکاتبه ای خیانت آمیز تبعید می شود. این شعر منظوم با شکنجه به روی چرخ دنداندار آغاز می شود. داج یا حاکم و نیز دل شکسته برای بار سوم تبعید نامه او را امضا می کند.

۱۷ - «دیگرگونی زشت» Transformed (1822) Deformed «آرنولد» Arnold گوزپشت زشت و هراسناکی است و از این جهت خود را آدمی بدبخت می داند. شیطان با هیبتی میدل پیشنهاد می کند که شکل او را تغییر دهد و او را به گونه سزار و یا